

رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، تصمیمی سرنوشت‌ساز

حجت‌الاسلام والمسلمین حسن عاشوری لنگرودی*

اشاره

امام خمینی علیه السلام در شکل‌گیری و رهبری انقلاب، بسیار موفق ظاهر شد و کشتی انقلاب را خوب هدایت نمود. جا داشت که ایشان برای تداوم انقلاب، چاره‌اندیشی و خطوط هدایت و رهبری آینده انقلاب را بیان نمایند؛ چراکه عقل و منطق می‌گوید باید بعد از ایشان، کسی انقلاب را رهبری نماید که بتواند در این بازار پیچیده سیاست روز، توانایی لازم را داشته باشد. ایشان در این راستا و در روزهای آخر عمر پُربرکتشان، قدم‌های خوبی برداشت و انقلاب را ماندگار نمود. در این نوشتار، بحث را در دو محور دنبال می‌نماییم: یکی، چگونگی انتخاب آیت‌الله خامنه‌ای؛ و دیگری، عوامل موفقیت در این انتخاب سرنوشت‌ساز.

الف. چگونگی انتخاب آیت‌الله خامنه‌ای

صبح چهاردهم خرداد در جلسه خبرگان آیت‌الله مهدوی کنی وصیت‌نامه‌امام را از آستان قدس رضوی و مجلس شورا به مجلس خبرگان آورد و لاک و مُهرش در جلوی دوربین‌ها باز شد و طبق وصیت امام، آیت‌الله خامنه‌ای آن را قرائت کرد.^۱ هنگام قرائت وصیت‌نامه، غم و اندوه همگان را فراگرفته بود. نمایندگان مرتب گریه می‌کردند. وصیت‌نامه امام، تأثیر زیادی داشت. بعد از آن،

* عضو هیئت علمی دانشگاه خوارزمی.

۱. امام خمینی وصیت‌نامه‌اش را در سال ۶۱ نوشت و سال ۶۶ تغییراتی در آن داد. امام نوشته بود وصیت‌نامه را به ترتیب: احمد بخواند، اگر نه، رئیس جمهور، اگر نه رئیس مجلس، اگر نه رئیس دیوان عالی کشور یا یکی از اعضای شورای نگهبان. در آن موقع، احمدآقا حال مساعدی نداشت؛ به همین جهت، آقای خامنه‌ای رئیس جمهور وقت خواند. (اکبر هاشمی رفسنجانی، بازسازی و سازندگی؛ کارنامه و خاطرات سال ۱۳۶۸، ص ۱۴۸ - ۱۵۲)

خبرگان برای جانشینی ایشان به شور نشستند.

هرچند در قانون اساسی هنوز شرط مرجعیت وجود داشت، اما امام در نهم اردیبهشت ۱۳۶۸ طی نامه‌ای به آیت‌الله مشکینی، رئیس مجلس خبرگان نوشته بود: «خواستہ بودید نظرم را در مورد متمم قانون اساسی بیان کنم. هرگونه آقایان صلاح دانستند، عمل کنند. من دخالتی نمی‌کنم. ما که نمی‌توانیم نظام اسلامی مان را بدون سرپرست رها کنیم. باید فردی را انتخاب کنیم که از حیثیت اسلامی مان در جهان سیاست و نیرنگ دفاع کند. من از ابتدا معتقد بوده و اصرار داشتم که شرط مرجعیت، لازم نیست. در اصل قانون اساسی، من این را می‌گفتم؛ ولی دوستان در شرط مرجعیت پافشاری کردند و من هم قبول کردم. من در آن هنگام، می‌دانستم که این، در آینده نه چندان دور، قابل پیاده‌شدن نیست.»^۱

مرحوم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در این باره می‌گوید: «اولین بحث ما این بود که شورا باشد یا فرد... فرد ۴۵، و شورا ۳۵ رأی آورد. نظر آیت‌الله خامنه‌ای، روی شورا بود و سخنرانی خوبی هم کردند و توضیح دادند که شورا لازم است؛ اما وقتی رأی گرفتیم، این‌گونه شد... آیت‌الله خامنه‌ای، به عنوان گزینه رهبری مطرح شد.»^۲

مرحوم آیت‌الله هاشمی مطلبی را که از امام شنیده بود، نقل کرد و گفت:

«ما یک بار با رؤسای قوا و نخست‌وزیر و حاج احمد آقا خدمت امام بودیم. با امام مباحثه کردیم و گفتیم که اگر آقای منتظری را کنار بگذاریم، در رهبری دچار مشکل می‌شویم. امام با شورای رهبری که از ابتدا موافق نبودند. شرط مرجعیت، در ذهن ما برجسته بود و لذا فردی که بتواند این مسئولیت سنگین را به عهده بگیرد و مرجع هم باشد، نمی‌یافتیم و می‌گفتیم چنین فردی نداریم. امام فرمودند: چرا ندارید؟ آقای خامنه‌ای! ما تصور کردیم که امام برای اقناع ما این را فرموده‌اند و لذا تصمیم گرفتیم موضوع را به کسی نگوئیم و نگفتیم؛ ولی بعد دیدیم مطلب پخش شد. خود آقای خامنه‌ای هم اصرار داشتند که این مطلب به هیچ وجه مطرح نشود. من باز به طور خصوصی خدمت امام رسیدم و روی این مسئله اصرار کردم و پرسیدم که چه باید بکنیم؟ ایشان باز فرمودند: شما فردی مثل آقای خامنه‌ای دارید؟ چرا تردید می‌کنید؟ چرا مشکل دارید؟

۱. صحیفه امام خمینی، ج ۲۱، ص ۳۷۱.

۲. ر.ک: اکبر هاشمی رفسنجانی، بازسازی و سازندگی؛ کارنامه و خاطرات سال ۱۳۶۸.

مناسبت‌های تبلیغی: رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، تصمیمی سرنوشت‌ساز ■ ۳۶۵

تا دیروز مطلب دیگری را از حاج احمد آقا شنیدم که تردیدم را تبدیل به یقین کرد. ایشان گفتند: زمانی که آقای خامنه‌ای برای دیداری به کره رفته بودند، تلویزیون فیلم دیدار ایشان با «کیم ایل سونگ» را نشان می‌داد. من وقتی فیلم را دیدم گفتم: «آقای خامنه‌ای واقعاً در مقام ریاست جمهوری خوب جا افتاده و برای نظام آبرویی هستند.» امام فرمودند: ایشان برای رهبری هم فرد شایسته‌ای است.^۱

آیت‌الله خامنه‌ای قبل از جلسه، نگران مسئولیت سنگین حضورش در شورای رهبری بود. ایشان می‌گوید:

«روز شنبه قبل از تشکیل مجلس خبرگان، با تضرع و توجه و التماس، به خدای متعال عرض کردم: پروردگارا! تو که مدبر و مقدر امور هستی، چون ممکن است به عنوان عضوی از مجموعه شورای رهبری، این مسئولیت متوجه من شود، خواهش می‌کنم اگر این کار ممکن است اندکی برای دین و آخرت من زیان داشته باشد، طوری ترتیب کار را بده که چنین وضعیتی پیش نیاید. واقعاً از ته دل می‌خواستم که این مسئولیت متوجه من نشود.»^۲

نیز فرمودند: «کوشش و تلاش و استدلال و بحث کردم تا این کار انجام نگیرد؛ ولی انجام گرفت.»^۳

تصمیمی سرنوشت‌ساز

سرانجام پس از چندین ساعت بحث در خبرگان، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تقریباً به اتفاق آرا برای این امر مهم برگزیده شد. بدین سان، جمهوری اسلامی از این گرده انتقال قدرت به راحتی عبور نمود.

واکنش‌ها

پس از این انتخاب، علما و شخصیت‌های سیاسی - مذهبی پیام تبریک دادند؛ از جمله: آیات عظام فاضل لنکرانی، محمدعلی اراکی، سید محمدرضا گلپایگانی، یوسف صانعی، علی

۱. ویژه‌نامه تداوم آفتاب، روزنامه جام جم، مرداد ۱۳۸۷.

۲. سخنرانی رهبر انقلاب، آیت‌الله خامنه‌ای در مراسم بیعت ائمه جمعه سراسر کشور، ۱۳۶۸/۰۴/۱۲.

۳. همان.

مشکینی و سید رضا بهاء‌الدینی.

سید احمد خمینی نیز در پیامی به رهبر معظم اظهار داشت: «انتخاب شایسته و بسیار خداپسندانه حضرت عالی، باعث شادی تمام دوست‌داران اسلام و انقلاب اسلامی در جهان گردید. حضرت عالی از چهره‌های درخشان انقلاب اسلامی بوده و همیشه مورد تأیید و تکریم امام عزیزمان بوده‌اید.»

آیت‌الله مهدوی کنی در پیامی اظهار داشت: «این، الهامی بود از الهامات الهی، و هدایتی بود از هدایت معنوی روح حضرت امام علیه‌السلام که هنوز این ملت را رها نکرده و این، رحمتی بود از طرف خداوند که در کوران این مصیبت جانکاه، با تعیین آیت‌الله خامنه‌ای که از یاران صدیق امام و از یاران خوش‌نام و خوش‌سابقه بوده و مجتهد و عادل است، به عنوان رهبری نظام جمهوری اسلامی ایران، آرامشی توأم با اعتماد و اطمینان، بر کشور و امت فداکار حاکم گردید.»^۱

حال این سؤال مطرح می‌شود که چه چیزی باعث شد تا کشور از مسئله انتقال قدرت به‌خوبی عبور نماید؟ در پاسخ باید گفت، سال‌ها بود که غربی‌ها و عوامل آنها که از شکست امام راحل مأیوس شده بودند، برای بازگشت از انقلاب، زمان مرگ امام را وعده می‌دادند. بسیاری از آنان انتظار داشتند که پس از ارتحال امام، کشور دچار هرج‌ومرج شود. روزنامه «فاینانشنال تایمز» چاپ لندن در سوم خرداد ۱۳۶۸ در این باره نوشت:

«با رحلت آیت‌الله خمینی، شکاف بزرگی در رأس سیستم سیاسی ایران ایجاد خواهد شد. بیانیه‌های رسمی و گزارش‌های رسانه‌های خبری ایران، حاکی از آن است که پُرکردن این شکاف، امکان‌پذیر نخواهد بود.»^۲

رادیو «بی‌بی‌سی» اعلام کرد: «خلأی را که درگذشت آیت‌الله خمینی در سطح رهبری ایران به وجود آورده، مشکل می‌توان جبران کرد.»

رادیو آمریکا اعلام نمود: «مرگ آیت‌الله خمینی قطعاً به بی‌ثباتی عظیمی در ایران منجر خواهد

۱. روزنامه رسالت، تاریخ ۱۳۶۸/۳/۱۶.

۲. در برابر این نظر، موضعگیری روزنامه «تشرین» چاپ دمشق جالب است. این روزنامه نوشته است: «کسانی که تصور می‌کنند با رحلت امام خمینی انقلاب اسلامی از مسیر و راه اصلی خود منحرف می‌شود، سخت در اشتباه هستند... انقلاب اسلامی ایران به وسیله نسلی هدایت خواهد شد که تعلیم و رهنمودهای روشن‌گر و جاودانه امام خمینی در زوایای قلب و روح آنان ریشه دوانده است.» (مجله مشکوه، تابستان و پاییز ۱۳۶۸، ش ۲۳ و ۲۴)

مناسبت‌های تبلیغی: رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، تصمیمی سرنوشت‌ساز ■ ۳۶۷

شد و برخی پیش‌بینی می‌کنند که این وضع، احتمالاً شعله یک جنگ داخلی را خواهد افروخت.»

روزنامه الشرق الاوسط در ۱۴ خرداد ۱۳۶۸ نوشت: «چریک‌های مسعود رجوی که از حمایت عراق برخوردارند، طرح‌هایی را برای انجام یک تهاجم عمده در طول مرزها به فاصله چند ساعت پس از رحلت آیت‌الله خمینی تدارک دیده‌اند.»

دیگری می‌نویسد: «بسیاری از تحلیلگران تصور می‌کردند که پس از درگذشت [امام] خمینی در ایران، برای دستیابی به قدرت، جنگ خونین آغاز می‌شود.»^۱ اما چنین پدیده‌ای رخ نداد و با انتخاب شایسته خبرگان رهبری و حمایت هوشمندانه ملت، همه امیدهای بیگانگان بر باد رفت. اینک نه تنها رحلت امام پایان راه نیست، بلکه راه و آرمانش در پهنه‌ای وسیع‌تر آغاز شده است.

ب. عوامل موفقیت انتخاب آیت‌الله خامنه‌ای

عوامل این موفقیت را می‌توان در چند فراز بیان نمود:

۱. دور اندیشی و آینده‌نگری امام خمینی

با توجه به شرط مرجعیت رهبر در قانون اساسی، انتخاب آیت‌الله خامنه‌ای برای رهبری، در آغاز بحث برانگیز بود؛ امام خمینی پیش از درگذشت خود خواستار اصلاح قانون اساسی شد و شورایی برای بازنگری در قانون اساسی تشکیل داد.^۲ این اقدام امام علیه‌السلام، راه را برای رهبری آیت‌الله

۱. ر.ک: دیلیپ هیرو، طولانی‌ترین جنگ، رویارویی نظامی ایران و عراق، ترجمه علیرضا فرشچی، ص ۴۳۸.

۲. ایشان در نهم اردیبهشت ۱۳۶۸ در نامه‌ای به آیت‌الله مشکینی، رئیس شورای بازنگری قانون اساسی، نوشته بود: «بسم الله الرحمن الرحيم. حضرت حجت الاسلام و المسلمین، جناب آقای حاج شیخ علی مشکینی - دامت افاضاته - پس از عرض سلام، خواسته بودید نظرم را در مورد متمم قانون اساسی بیان کنم. هرگونه آقایان صلاح دانستند، عمل کنند. من دخالتی نمی‌کنم. فقط در مورد رهبری، ما که نمی‌توانیم نظام اسلامی مان را بدون سرپرست رها کنیم. باید فردی را انتخاب کنیم که از حیثیت اسلامی مان در جهان سیاست و نیرنگ دفاع کند. من از ابتدا معتقد بودم و اصرار داشتم که شرط «مرجعیت» لازم نیست. مجتهد عادل مورد تأیید خبرگان محترم سراسر کشور، کفایت می‌کند. اگر مردم به خبرگان رأی دادند تا مجتهد عادل را برای رهبری حکومتشان تعیین کنند، وقتی آنها هم فردی را تعیین کردند تا رهبری را به عهده بگیرد، قهری او مورد قبول مردم است. در این صورت، او ولی منتخب مردم می‌شود و حکمش نافذ است. در اصل قانون اساسی من این را می‌گفتم؛ ولی دوستان در شرط «مرجعیت» پافشاری کردند؛

خامنه‌ای هموار نمود. سفر آیت‌الله خامنه‌ای به چین و کره شمالی و عملکرد ایشان در این سفر و نظر امام درباره ایشان^۱ و نامه بازنگری قانون اساسی، زمینه خوبی شد برای شناخت و انتخاب آیت‌الله خامنه‌ای.

۲. ویژگی‌ها و توانمندی‌های آیت‌الله خامنه‌ای

بی‌شک، در انتخاب آیت‌الله خامنه‌ای، خصایص و توانمندی‌های ایشان اولین نقش را داشته است و امور دیگر، در واقع کاشف از این توانمندی بوده است؛ از جمله، جایگاه علمی ایشان است. مرحوم آیت‌الله فاضل لنکرانی در این مورد می‌گوید:

«مقام شامخ علمی و اجتهاد و فقاهاست معظم‌له، جای هیچ‌گونه تردیدی نیست. این‌جانب با توجه به سابقه‌آشنایی دیرین و اطلاع از مراتب تحصیلی، اذعان به اجتهاد به نحو اطلاق وی دارم. علاوه بر [این]، اشاره و بلکه تصریح امام عظیم‌الشأن (قدس سره الشریف) در موارد متعدد به صلاحیت و شایستگی رهبری ایشان، دلیل عمده بر مقام اجتهاد معظم‌له می‌باشد.»^۲

همچنین، ایشان درباره بُعد سیاسی مقام معظم رهبری می‌گوید:

«به نظر من ایشان (مقام معظم رهبری) یک فقیه و یک مجتهد است؛ کسی که در سال‌های طولانی در جهان سیاست، استادی چون امام داشته است و خودش نیز دارای استعداد سرشار است. چنین فردی، دارای مقام بلندی از درک سیاسی است؛ دوران هشت‌ساله ریاست جمهوری ایشان، یک شاهد قوی برای مطلب است. سفرهایی که ایشان به کشورهای خارج داشته‌اند، به عنوان یک سیاست‌مدار در صحنه‌های سیاسی جهان درخشیده است.»^۳

من هم قبول کردم. من در آن هنگام می‌دانستم که این در آینده نه چندان دور، قابل پیاده‌شدن نیست. توفیق آقایان را از درگاه خداوند متعال خواستارم. والسلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاته. ۶۸/۲/۹ روح‌الله الموسوی‌الخمینی. (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۷۱)

۱. هیجدهم اردیبهشت ۱۳۶۸، رئیس‌جمهور وقت ایران، عازم سفر به چین و کره شمالی شد؛ سفری که پنج روزش در چین و پنج روزش در کره شمالی می‌گذشت. ۱۹ اردیبهشت، در مراسم رسمی مقامات چینی از رئیس‌جمهور استقبال کردند. تلویزیون چین هم فیلمی از زندگی آقای خامنه‌ای پخش کرد. در کره شمالی، با کیم ایل سونگ رئیس‌جمهور کره شمالی دیدار کرد و برای مردم کره شمالی هم سخنرانی کرد. (روزنامه جمهوری اسلامی، تاریخ ۱۳۶۸/۲/۱۹)

۲. حسن صدری، حکایت‌نامه سلاله زهراء، ص ۲۲۵.

۳. روزنامه رسالت، تاریخ ۱۳۶۸/۳/۲۲.

کوفی عنان، وقتی با مقام معظم رهبری ملاقات می‌نماید، رهبر انقلاب درباره تاریخچه کشور غنا که زادگاه کوفی عنان بوده و همچنین شخصیت‌ها و موقعیت سیاسی و اجتماعی آن صحبت می‌کنند و این امر، موجب تعجب کوفی عنان می‌شود و پس از ملاقات می‌گوید: «با اینکه اهل غنا هستم، درباره کشور خود به اندازه ایشان اطلاع ندارم.»

کوفی عنان افتخار رهبری مقام معظم رهبری را نه فقط مختص ایرانی‌ها، بلکه کل مسلمانان دانسته و می‌گوید: «ایرانی‌ها و مسلمانان باید افتخار کنند که چنین رهبری دارند. ای کاش ایشان دبیر کل سازمان ملل بودند.» وی که مقام دبیرکلی سازمان ملل را به عهده داشت، در این ملاقات چنان مجذوب شخصیت مقام معظم رهبری می‌شود که می‌گوید:

«من با شخصیت‌های مختلفی از جمله ژاک شیراک و هلموت کهل دیدار داشته‌ام که به شدت تحت تأثیر قرار گرفته‌ام؛ ولی در ملاقات با ایشان احساس کردم هنوز کسی را مثل ایشان ندیده‌ام. شخصیت معنوی ایشان چنان مرا تحت تأثیر قرار داد که پیش خودم فکر کردم چرا شخصیتی مثل من باید دبیرکل سازمان ملل باشد. پس از این دیدار، شخصیت‌هایی که مرا جذب کرده بودند، همه را به فراموشی سپردم.»^۱

یکی دیگر از خصوصیات رهبر انقلاب، سبک زندگی ایشان است که مانند سبک زندگی امام، ساده و بی‌آلایش بود. امام فرمود: «اگر بخواهید بی‌خوف و هراس در مقابل باطل بایستید و از حق دفاع کنید و ابرقدرتان و سلاح‌های پیشرفته آنان و شیاطین و توطئه‌های آنان در روح شما اثر نگذارد و شما را از میدان به در نکنند، خود را به ساده‌زیستن عادت دهید و از تعلق قلب به مال و منال و جاه و مقام بپرهیزید.»^۲

آیت‌الله مطهری می‌فرماید: «سید علی خامنه‌ای، از نمونه‌های ارزنده‌ای است که برای آینده موجب امیدواری است. من از اخلاص آقای خامنه‌ای تعجب می‌کنم. ایشان هیچ به دنبال خودنمایی نیست که بخواهد خودش را مطرح کند و خودش را نشان بدهد. من در جریان کمیته استقبال از حضرت امام، بیشتر به تقوای ایشان پی بردم.»^۳

1. <http://www.siasi.porsemani.ir/node/1869>.

۲. امام خمینی، صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۴۷۱.

3. <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8904220177>.

آقای بهاء‌الدینی فرمود: «... آقا سید علی خامنه‌ای، حقیقت ولایت فقیه هستند و رهبر.»^۱ آیت‌الله حسن‌زاده آملی نیز می‌گوید: «رهبر عظیم‌الشان‌تان را دوست بدارید، عالمی، رهبری، موحدی، سیاسی، دین‌داری، انسانی، ربانی، پاک‌منزه، کسی که دنیا شکارش نکرده، قدر این نعمت عظمی را که خدا به شما عطا فرموده، قدر این رهبر ولیّ وفیّ الهی را بدانید. مبادا این جمعیت ما را، مبادا این کشور ما را، مبادا این کشور علوی را، این نعمت ولایت را از دست شما بگیرند. خدایا! به حق پیامبر و آل پیامبر، سایه این بزرگ‌مرد، این رهبر اصیل اسلامی حضرت آیت‌الله معظم خامنه‌ای عزیز را مستدام بدار.»^۲ در باره انتخاب زود هنگام آیت‌الله خامنه‌ای به رهبری، مرحوم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی بیان می‌دارد:

«تمام‌شدن سریع کار خبرگان و رأی‌آوری ایشان، پنج دلیل داشت:

اول اینکه اوضاع خطرناک بود و خبرهایی هم از جبهه رسیده بود که نیروهای صدام حرکت کردند و به جلو می‌آیند.^۳ همه نگران بودیم که خلأ وجود رهبری، آن هم پس از رحلت امام، مشکل‌ساز شود. دوم، همین حرف‌هایی که پنج نفری از امام شنیده بودیم، مطرح کردیم. سوم، نقل نظر امام که مجتهد، کافی است و احتیاج به مرجع نیست. چهارم، آن حرف‌هایی هم که نقل کردند امام پای تلویزیون گفتند، مؤثر بود. پنجم که مهم‌تر از همه است، شخصیت و صلاحیت‌های خود آیت‌الله خامنه‌ای است که برای خبرگان شناخته شده بود و اصلح‌تر از ایشان، کسی را نمی‌شناختند.»^۴

۱. همان.

۲. <https://www.mashreghnews.ir/news/211925/%>.

۳. هاشمی رفسنجانی بیان داشت: «خبر آماده‌باش نیروهای عراقی در مقابل منطقه عین‌خوش که در اثنای جلسه توسط دکتر حسن روحانی رسید و من به جلسه اطلاع دادم، تأثیر زیادی در آمادگی اعضای خبرگان برای ختم کار داشت.» (اکبر هاشمی رفسنجانی، بازسازی و سازندگی، ص ۱۳۲)

۴. قدرت‌الله رحمانی، بی‌پرده با هاشمی رفسنجانی، ص ۷۴.